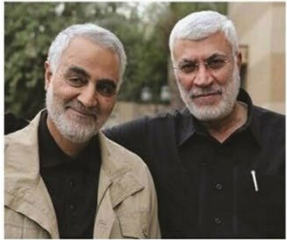


مدافعان حرم

خاطرات شهدای
مدافع حرم (جلد دوم)
ناصر کاوه





امام خامنه‌ای در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره بین‌المللی شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت

مدافعان حرم

نجات‌دهنده ایران و منطقه



شهید اکبری جانباز فتنه ۸۸ بودند. ایشان زمانی در مقابل داعشی های وطنی ایستادند و در زمان و مکانی دیگر در مقابل داعشی های خارجی! جالب آنجاست که فتنه گران از تکفیری های سوریه حمایت کردند و تکفیری های شام و عراق از فتنه گران داخلی و وجه مشترک هر دوی آن ها مخالفت با رهبر جمهوری اسلامی ایران بوده و هست و خواهد بود. اما زهی خیال باطل که همانند گذشته عمارهای سید علی در راه ایران و اسلام و ولایت، چه خون ها که نمی دهند و چه جوانانی که تقدیم نمی کنند.

بخشی از وصیت شهید:

سلام مرا به رهبرم سید علی خامنه ای برسانید و به ایشان بگویید از ایشان شرمندم ام، چون یک جان بیشتر نداشتم تا در راه دفاع از حریم اسلام و انقلاب تقدیم نمایم.



شهمید دانشجوی مدافع حرم صادق عدالت اکبری

دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





در آخرین روز های قبل از رفتنش می گفت ما نیاز داریم به کسی که انقلابی عمل کند.
 بعضی ها می گویند کسانی باید به جنگ بروند که تجربه داشته باشند ولی در این جنگ مانند دفاع مقدس جوانان خط شکن لازم است و عباس یکی از این جوانان خط شکن و فدایی بود.

به روایت همسر شهید

شهادت سن و سال نمی شناسد!
 زمان و مکان سرش نمی شود!
 زشتی و زیبایی ظاهر ملاکش نیست!
 او، باطن بین است...
 که هر وقت رنگ آسمان،
 در زلالی قلبت بیوفتد،
 لایقش می شوی...
 همین بغل دستت،
 همین حوالی،
 در هوا بیشان نفس میکشی...
 و این دریا های زلال جاری اند
 و چشم های نابینا کجارا می بینند،
 دریا را؟!!



شهادت شهید دانشجوی مدحرم عبّاس

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
 استان سمنان

زودکی خاتم این تبارم
 چنان جیب نما سرفرازم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





شهید عابدینی از کسانی بود که یک گردان را عاشق خود کرده بود، در هر زمینه ای اعم از تاکتیک و تکنیک نظامی و مدیریت بر دیگران برتری داشت و صاحب سبک بود.

این شهید در دانشگاه و در مقطع لیسانس رتبه نخست را به دست آورد و از وی تجلیل شد اما در زمانی که خیلی ها می گفتند سوریه به ما چه ربطی دارد، به ندای هل من ناصر امام زمان خود لبیک گفت و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شد. وی در سوریه سه بار مجروح شد اما دست از جهاد نکشید تا به هدف اصلی خود که شهادت بود رسید.

زندگی زیباست؛
اما شهادت از آن زیباتر است.
سلامت تن زیباست؛
اما پرنده ی عشق،
تن را قفسی می بیند،
که در باغ نهاده باشند.

شهید سید مرتضی آوینی



شهید دانشجوی مدافع حرم علی عابدینی

دانشجوی کارشناسی آا
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





روز ۲۵ خرداد سال ۸۸ به شدت مجروح شده بود (چهارضربه چاقو به پای چپ و یک ضربه قمه به بازوی چپ) و چون نیروهای امدادی بخاطر تهدید اغتشاشگران حدود شش یا هفت ساعت بعد توانسته بودند ایشان را به بیمارستان انتقال دهند و بخاطر خونریزی زیاد تا دو روز وقتی می خواستند در خانه راه بروند از شدت سرگیجه دستشان را به دیوار می گرفتند ولی با همان ضعف و بی حالی روز بیست و هفت خرداد آماده شدند برای رفتن به تهران وقتی با تعجب علت را پرسیدم گفتند در تمام فضاهای اینترنتی تهدید کردند می خواهند به سمت بیت رهبری بروند. من باید بمیرم که فتنه گران چنین حرفی را حتی به دهان بیاورند.

به روایت همسر شهید

شهید دانشجوی مدافع حرم فاضل مصطفی زاده

دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





مردان شمال، جان به جانان دادند
از داغ جوان، مادری گریبان شد

در راه دفاع از حرم جان دادند
پس نام شهید ماند و جاویدان شد

زان گفته که خط سرخ ماشامات است
امروز رگ سوری به، خان طومان شد

در وصف جنوب حلب باید گفت
این منطقه هم شلمچه ی ایران شد ...

پیشکش شهدای روح بلند
شهدای منطقه خان طومان

شهادت دانشجوی مداحم روح الصحرا

دانشجوی کارشناسی حقوق ثبتی
استان مازندران

زکودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





از کودکی علاقه به لباس های جنگی
 پدر داشتی و مردانه رفتار می کردی.
 پدرت که به جنگ رفت مرد خانه شده
 بودی و برای ایستادن مادرت در صف
 نانواپی هم غیر تی می شدی.
 همه اش نگران حضرت مادر بودی و به ما
 گوش زد می کردی که مبادا مُد بشود
 دوری از عفاف و حجابتان، که در آن
 دنیاشر منده فاطمه الزهرا (س) بشوید.

شهید دانشجوی مدافع حرم ابوالشیر وانیان

دانشجوی کاردانی میکانیک ماشین آلات
 استان اصفهان

زکوهی خاوم این تبارم
 چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و یقیناً استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





می‌گویند مدافعان برای پول می‌روند.
برادرم مهندس کامپیوتر بود، تافل
انگلیسی داشت، مسلط به زبان
عربی بود و می‌توانست در ایران
بهترین درآمد را داشته باشد، اما از
مال دنیا گذشت و به سوریه رفت.
رفت و بدون توجه به حرف های
اطرافیان هدفش را ادامه داد.
مجتبی می‌گفت: یک روز به
جایی می‌رسیم که همه ی
این افراد اشتباهاتشان را
می‌فهمند.

به روایت خواهر شهید



تحمید دانشجوی مدافع حرم شهید محبتی حسینی

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر
لشکر فاطمیین

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست در افخم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می‌جنگیدیم ...





سید حمید وصیت کرد که دوست دارم
مثل مادرم حضرت زهرا (س) گمنام باشم و
همانند جدم امام حسین (ع) تشنه لب!
چقدر جالب است با کفشی که برای پیاده
روی اربعین گرفته بودند و قسمت نشد که
بروند؛ ولی در عوض با همون کفش رفتند
سوریه.

حرم حضرت زینب (س)، حرم ارباب و حرم
بی بی نلارد؛ «راه یکی ست»
از شهید سید حمید سجادی بعد از گذشت
چند وقت فقط یک پلاک و یک ساک
وسایل بر گشت تا طبق وصیتشون همچون
مادرشون حضرت زهرا (س)، در گمنامی و
مکانی نامعلوم دفن شده باشند.

به نقل از خواهر شهید

در دنیا جز نامی و چند عکسی و یک
مشت یادگار، ظاهراً چیزی از شهید باقی
نمی ماند؛ اما با چشم سیر، در منظر
حقیقت، این خون شهید است که در
شریان های حیات تاریخی انسان جریان
دارد ...

شهید سید مرتضی آوینی



شهید دانشجوی مدافع حرم سید سجادی

دانشجوی کارشناسی کشاورزی
لشکر فاطمیین

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و یقیناً با اینها
می جنگیدیم ...





اولین شب بعد از عقدهمان احیا گرفتیم. آن شب ایشان دعای زیبایی کردند. گفتند باید دعا کنیم که خداوند اشک چشمان برای گریه آنمه را خشک نکند. این واقعا برکت زندگی است و اگر این اشک چشم خشک شود خیلی از توفیقات از ما سلب می شود. از اعمالشان مشخص بود که چقدر محب اهل بیت هستند و چقدر دوست دارند که برای این اعتقادی که دارند تلاششان را بکنند. اعتقادی که از صمیم قلب بود و ظاهرسازی نبود و با شهادت اثباتش کردند

عشق است به راه عاشقی سر دادن
جان و تن خود برای دلبر دادن

آمال تمام نوکران این باشد
سر را به ره دختر حیدر دادن



شکستنی دشتجوی مداحرم سید مهدی موسوی

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی
استان خوزستان

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و یقینا استانها با اینها می جنگیدیم ...





شهادت را همه دوست دارند اما زحمت
کشیدن برای شهادت را چه؟
شهید شدن یک اتفاق
نیست. گلی است که برای شکوفا
شدنش باید خون دل ها بخوری.
به بی دردها، به بی غصه ها، به عاقبت
طلب ها، شهادت نمی دهند.
باید دغدغه مند باشی، دغدغه کشور،
دغدغه اسلام، دغدغه کار جهادی، باید
از دنیا و تعلقات آن بگذری و آن وقت
است که قلبت را بومی کنند و اگر بوی
دنیا داد، رهایت می کنند ...
خلاصه که اگر عاشق شهادتی اول باید
سریز خوبی باشی خوب مبارزه کنی و
کم نیآوری درست مثل یاران عاشورایی
حسین بن علی (ع) ، درست مثل
مدافعان حرم زینب (س) ...

شکفتن دانشجوی مداحرم سپید جواد اسدی

دانشجوی کارشناسی حقوق
استان مازندران

زکوهی خاسته این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینچا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





سید جلال عزیز در عرصه‌ی اقدامات غافل گیرانه ی امنیتی و مقابله با آشوبها و بحرانهای داخلی توانمندی بالایی داشت و از این توانمندی برای کمک به سربازان گمنام وزارت اطلاعات از او بهره گرفته شد.

در خرداد ماه سال ۸۴ برای دستگیری سران ضد انقلاب در روستاهای شهرستان سلماس، او و یارانش با فداکاری و ایثار، چنان ضد انقلاب را قلع و قمع نمودند که مسئولین استان آذربایجان غربی را به اعجاب و تحیر در آوردند.

سید جلال عزیز در جنگ نرم و در مواجهه با بحران ها و آشوب های داخلی و مقابله با فتنه هایی همچون ۱۸ تیر ۷۸، جریان براندازی ملی-مذهبی در تحركات خرنده و پنهان فتنه گران ۸۸ نقش برجسته‌ای در آرامش بخشی به فضای امنیتی جامعه ایران ایفا کرد.



تحمید دانشجوی مداح م سید جلال حمید البدر پور

دانشجوی کارشناسی حقوق
استان مازندران

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نما سوزد از ختم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





عادت داشت اگر یک روز به خانه
نمی آمد، حتما فردا با یک دسته
گل به دیدن همسرش می رفت .
به همسرش گفته بود: "تو عشق
اولم نیستی؛
اول خدا ...
بعد سیدالشهدا ...
بعد شما ...!
همیشه در منزل همسرش را
کریلای من صدا می زد.

ما اگر خیلی چیزها را فراموش کرده
ایم اما یک نفر هست که هنوز با
عطر تو زندگی می کند...
همسر دردانه ات...
از مردانگیت می گوید
از مهربانی هایت
هنوز هم می شنود که به جای
دوستت دارم می گویی یادت باشه ،
یادت باشه ...
او هم جواب می دهد یادم هست ،
یادم هست ...



شهید دانشجوی مداح حمید سیاهکالی مراد

دانشجوی کارشناسی حسابداری
استان قزوین

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما برافروزم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





وقتی بعد از مدتی خبر رفتن شهدا رو میدن، علاوه بر درد فراق اونها، درد سنگین تری رو باید بعد از اونا متحمل شی و اونم همین درد نشناختن کامل و بهره وافسی و کافی نبردن از مصاحبت با اوناست...

وقتی خبر شهادت سجاد رو شنیدم زلزله ای تو چهار ستون بدنم شروع به لرزیدن کرد که هم می خواستم باور کنم هم نمی خواستم . سجاد از اون آدمهایی بود که آگه به مرگ طبیعی از بینمون میرفت من باور نمی کردم. شهادت لیاقتی است و سجاد جان، این لیاقت رو داشت و خیاط ، پیراهن شهادت آقا سجاد رو به زبایی برای ایشون دوخت.



شهید دانشجوی مدافع حرم سجاد دهمقان

دانشجوی کاردانی شیمی پالایش گاز
استان فارس

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهیدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





هنر آن است که بی
هیاهوهای سیاسی و خودنمایی
شیطانی، برای خدا به جهاد
برخیزد و خود را فدای هدف
کند نه هوا. و این هنر مردان
خداست.

امام خمینی (ره)

شهادت دانشجوی مدافع حرم روح‌المبارکی

دانشجوی کارشناسی جوش و مواد
استان اصفهان

زکوهی خاتم این تبخیرم
چنان جیب نماست در افخم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می‌جنگیدیم ...





همیشه یک قرآن جیبی در جیبش بود،
 زمان اضافی داشت مثل قبل و بعد کلاس
 تو خوابگاه یا استراحت، بین رژه می
 نشست و قرآن می خواند و با قرآن
 مانوس بود، اهل ریا نبود، ادا در نمیآورد،
 همیشه خودش بود، از شیفتگان حضرت
 زهرا (س) و امام حسین(ع) بود و می
 گفت امام حسین(ع) باید در قلبت باشد
 و در قلبت بتپد ...

یادم هست میگفتی خانوم من برای
 چادرت می روم که ~~ببینی~~ نکند فردا کسی
 به بهانه جنگ چادر را از سر ناموس من
 بردارد .

آنان جفیه می بستند؛
 تا بسیجی وار بچنگند
 من چادر می پوشم؛
 تا زهرایی زندگی کنم ...



شهید دانشجوی مداحم روح الله قربانی

دانشجوی کارشناسی زبان
 استان تهران

زودکی خاتم این تبارم
 چنان جیب نماز در جیبم

شهادای مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





سال اول دبیرستان رضا بیماری عجیبی گرفت و فلج شد. نذر عمه سادات کردم تا رضا خوب شود برای خودشان یک روز در کمال ناباوری دیدم رضا دست به دیوار گرفت و راه رفت... آن روز زینب کبری (س) پسرم را شفا داد و امروز رضا فدائی زینب(س) شد.

مهندس برق و الکترونیک به روایت پدر شهید
 کارشناسی زبان و ادبیات عرب
 مسلط به زبان انگلیسی
 کارشناسی ارشد اطلاعات و عملیات
 دانشجوی دکترا اطلاعات و امنیت
 مخترع چندین طرح نظامی
 عضو نیروی قدس سپاه پاسداران
 حضور در ماموریت های مختلف از آفریقا تا آسیای شرقی
 جانباز جنگ غزه
 حضور در سوریه و در نهایت به قول برادر شهید، چه سعادتی بالاتر از این که در مسیر نذر پدرش فدایی زینب شد و پدر را رؤسفید کرد...

حال اگر رویتان می شود بگوئید این جوان رشید برای پول به سوریه رفته بود.



شهید دانشجوی مدافع حرم رضا کا کر برزی

دانشجوی دکترا اطلاعات و امنیت
 استان البرز

زودکی خاتم این تب ختم
 چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





آن ۱۲ تا شهیدی که ابدان
مطهرشان در خان طومان جا
مانده است، به راحتی می
توانستند عقب بکشند و جان
سالم پدر ببرند اما داوطلبانه در
خط مقدم ماندند و تا آخرین قطره
خون مقاومت کردند تا تکفیری ها
نتوانند از بچه های رزمنده تلفات
و اسیر بیشتری بگیرند.

اگر مقاومت این ۱۲ شهید نبود، زخمی
ها به عقب بر نمی گشتند و همه تیر
خلاصی می خوردند!!
این است فرهنگ ایثار و فداکاری
مدافعان حرم.

از شام بپرس دشمنی یعنی چه!
آن دلهره ی نگفتنی یعنی چه!
روباه صفت های حلب می دانند
بی باکی ببر ما زنی یعنی چه!



شهمید دانشجوی مداح حرم رضا صاحب زاده

دانشجوی کارشناسی حقوق ثبتی
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سوزانم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





گر چه کشتید ولی فاتح دیگر داریم
ما محال است که دست از شهدا برداریم

دانشجو کارشناسی از جامعه المصطفی
مسلط به زبان عربی و انگلیسی، خطاط
و نقاش.

وصیت شهید

”اگر خدا لیاقت شهادت را به من داد و
من هم به جمع بچه ها پیوستم، می
خواهم کسانی که بعد از من می آیند و
مسئولیت قبول می کنند وجدانی کار
کنند و همیشه وجدان خودشان را
راضی نگه دارند.

بچه های زیادی از گرانها ترین چیز که
زندگی شان بوده و از آن با ارزش تر
نداشتند، گذشتند کاری کنیم که فردا
شرمنده این شهدا نباشیم.“

شهادت دانشجوی مدافع حرم رضا بخش

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماز مرا فراموش

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





گفتم نرو، بمان ادلم می خواهد پسر
عصای دستم باشد. گفت هر چه تو
بگویی فقط یک سوال دارم می خواهی
پسرت عصای این دنیا باشد یا آن دنیا
؟

وقت آخرین وداع دوست داشتم
صورتش را ببوسم مادر بودم و این
آرزوی من بود اما اجازه ندادند و
من فقط پاهایش را بوسیدم.

به یاد شهیدی که نه مثل ما را با پیش
حسین (ع) سر از تنش جدا کردند:

گر بهای شبعه بودن،
سر جدا گردیدن است

ما به عشق مرتضی،
تاوان آن را می دهیم

تا بماند تا ابد،
ذکر علی بر مآذنه

هستی و دار و ندار و
جانمان را می دهیم



شهادت شهید دانشجوی مدافع حرم رضا اسماعیلی

دانشجوی کارشناسی معماری
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تب خرم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





افرادی هستند که با نحوه شهادتشان حتی از خدا هم دلبری می کنند. وقتی از همان ابتدا فضایل اخلاقی اخلاص در عبادت، احترام و تسلیم محض در برابر والدین کسب می شود؛ وقتی دوران نوجوانی و جوانی صرف مسجد و فعالیتها پیش می شود و راه نفوذ شیطان بسته می شود؛ وقتی سال های سال از عمر صرف مجاهدت در سپاه اسلام می شود؛ شهادت عجیب گوارا تر است، و چه شهادتی که در راه دفاع از عقبه ی بنی هاشم باشد. همه ی این زیبایی ها ختم می شود به اسم پر ابهت شهید مدافع حرم.

شهید دانشجوی مدافع حرم دادالله شیبانی

دانشجوی کارشناسی مخابرات و الکترونیک
استان فارس

زودکی خاتم این تبر خرم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





وقتی بصرم در سوریه به شهادت رسید
و پیکرش را آوردند چون بدن و صورتش
زخم زیاد برداشته بود، قابل شناسایی
نبود.
من او را از ضربه های چاقوی فتنه ۸۸ در
بازوی چپش شناختم...

روایت از پدر شهید

در سینه خود داغ فراوان داریم
بنویس بر این عقیده ایمان داریم
امنیت و آسایش خود را امروز
از برکت خون شهیدان داریم

شهید دانشجوی مدافع حرم محمد خلید

دانشجوی کارشناسی مدیریت
استان تهران

زکوهی خاسته این تبخترمه
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





برای آنهایی که عقاید این عاشقان را باور
نکردند همه چیز عجیب است. عجیب است
پدری فرزندشیر خوارش را رها کند؛ عجیب
است پدری دیگر نخواهد طعم به آغوش
کشیدن دخترش را بچشد عجیب است
جوان تازه دامادی همچون شهید خزاعی
نژاد که هنوز یک ماه هم زندگی در کنار
همسر خود را نگذرانده از زندگی خود
بگذرد. اما تنها یک دلیل، یک اعتقاد و یک
باور همه این تعجب را با کفایت می کند؛
باور به اینکه به زودی روزی خواهد آمد که
مهدی مان را می بینیم. آری امروز آنان در
پاسخ به فریاد هل من ناصر امام زمان خود
به دفاع از مظلومیت شعبه برخاستند و
عاشورایی ترین محرم این سال ها را به ما
هدیه کردند.



شهادت شهید دانشجوی مداح حرم ایمان خروای نژاد

دانشجوی کارشناسی جغرافیا
استان فارس

زودکی خاتم این تب محرم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





نامش احمد بود هم نام پیامبرش وقتی
رفت بر دوشش تفنگ بود و در دلش
آرزوی شهادت. وقتی آمد، بر دوش
دوستانش بود و شهید صدایش می
کردند. او رفت اما آرمانش بر سطرهای
خونین تاریخ ماندگار شد...
احمد جان!

سوریه مرا یاد جبهه های وطنم می
اندازد. آنگونه که هر روز شهیدی بود و
خبری...

چقدر دلم برایت تنگ می شود برادرم! به
من رخ بنما و نفسی تازه کن.

رنگ و رویت به خون آغشته و روح
بلندت کنار حرم بی بی حضرت زینب سلام
الله علیها از جان بدر آمد.

چگونه در دیار غربت همچون مولایت
امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدی.



شهادت شهید دانشجوی مدافع حرم احمد حیار

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
استان خوزستان

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...

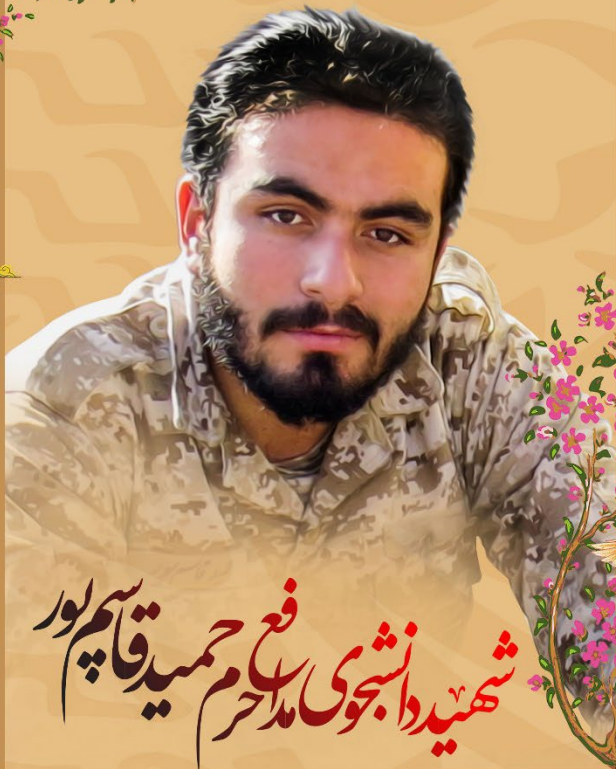




در دنیای ماشینی امروز و بعد از ۱۴۰۰ سال شیرمردانی که همیشه آرزو داشتند در کربلای حسینی حضور می یافتند و حتی آرزو داشتند که در دفاع مقدس خودمان سن شان می رسید و مجاهدت می کردند ، امروز چه زیبا به حضرت ابوالفضل العباس علمدار رشید دشت نینوا اقتدا کردند و در راه دفاع از حرمین عشق حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) سجاده خونین شهادت در سرزمین شام گشودند.

خون شهید قاسم پور و دیگر شهدای مدافع حرم ، خونی است تازه در رگهای ما جوانان نسل سوم انقلاب تا به خود آییم و حسرت نخوریم و از خدا بخواهیم به ما هم توفیق جانفشانی در راه ایران و اسلام عابت فرمايد.

همه رفتند که پروانه ی گنبد باشند
ما صبورانه نشستیم شود نوبت ما
و همین لقلقه بر روی لبم جامانده
کاش میشد که شهادت بشود قسمت ما



شهید دانشجوی مدافع حرم حمید قاسم پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق
استان فارس

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





رفتنت را ...

به نظاره نشستیم و درد کشیدیم

کوچه پس کوچه های خانطومان را
باید به نام شهدای مازندران ثبت
کنند...

به نام شیرمردان حماسه آفرینی که
لباس احرام پوشیدند و کفن پوشان به
استقبال شهادت رفتند و به ندای
”هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي“
بی بی زینب سلام الله علیها لبیک گفتند ...

خیال می کردیم دفاع مقدس که به پایان
رسید، در باغ شهادت هم بسته شد ...
نمی دانستیم تا زمانی که عاشورا در
قلبه‌ها زنده است فرهنگ شهادت طلبی
هم پایدار و زنده است ...

نمی دانستیم همین کسانی که بین ماقد
کشیدند و بزرگ شدند و آرزوها داشتند
اینگونه زندگی ابدی و جاوید پیدا
خواهند کرد...



تحمید دانشجوی مدافع حرم حسین مشتاق

دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی
استان مازندران

زکوهی خاام این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...

۱۳۹۶





پدرت می گفت تاب نداشتی آن همه
ظلم ، آن همه کشتار ، آن همه
جسارت به حرم دختر حیدر اربی تاب
کرده بود.

جانت را در کوله‌ای از عشق گذاشتی
و داوطلب شدی تا سدی حرمتی‌ها
شوی...

رفتی و غیرتت را سد دشمن کردی و
فریاد زدی شیعه‌ی علی و دختر
حیدر هستی.

در تک تک پاورقی‌های دفترت
نوشته بودی (می شود روزی به
آرزویم ، یعنی شهادت برسیم...)
و چه زیبا وقتی که تو را به آغوش خاک
می سپردند ، سالروز رحلت بانویی بود
که برایش از خود گذشته بودی.

عجب اتفاق جالبی

چه زیبا ...

چه نزدیک...



شهادت دانشجوی مدافع حرم حسن قادانا

دانشجوی کارشناسی حقوق
استان خراسان رضوی

ز کوهی خاستم این تبارم
چنان جیب نماز در دلم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





خدا صبر خاصی به من داده است ، اطرافیان می گویند خدا این صبر و حوصله را در وجودت قرار داده تا امتحانت کند. همان روزهای اول گفتم فکر نکنم بتوانم دوام بیاورم و زنده بمانم ولی خدا همانطور که شهدا را می برد ، صبری هم به خانواده هایشان می دهد.

به نقل از همسر شهید

رفتن یک جوان به سمت جبهه و محل خطر، فقط مجاهدت او نیست. خود او به جبهه می رود، مدتی جهاد می کند و به شهادت می رسد و مجاهدت او تمام می شود.

اما مجاهدت آن همسر جوان ادامه دارد. اینها که شکایت نمی کنند. اینها که این را پای خدا محاسبه می کنند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه ی مجاهدت را بین مردم ادامه می دهند ...

مقام معظم رهبری



شهید دانشجوی مداح حسن احمدی

دانشجوی کارشناسی جغرافیای برنامه ریزی شهری
استان اصفهان

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





شاید ما در راهی قدم می گذاریم که
 بگویند خارج از وطن و یا دور از وطن
 است، ولی عقیده بنده این است که
 دین اسلام محدودیت ندارد و دین فر
 اتر از کشور ها و وطن هاست و اگر هر
 کس به خداوند اعتقاد دارد باید در راه
 احیای دینش جهاد کند و امر به
 معروف و نهی از منکر بکند.
 مکتب ما مکتب پیروزی خون بر
 شمشیر است.

بخشی از وصیت شهید

یا حسین گویان عالم
 در پناه زینب اند

عرشیان مامور حفظ
 بارگاه زینب اند

گوشه ای از این حرم
 حاشا که بردارد خراش

تا زمانی که شیعیان
 مرد سپاه زینب اند



شهباز شجوی مداح م حجت اصغر شریانی

دانشجوی کارشناسی IT
 استان تهران

زودکی خاتم این تب خرمه
 چنان جیب نما سرفراز خرم

شهادت مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و یقین است آنها با اینها
 می جنگیدیم ...





چند روز بود حامد از سوریه به بیمارستان بقیه الله تهران منتقل شده بود که روزی سردار حاج قاسم سلیمانی با هیئت همراهشان برای ملاقات حامد تشریف آوردند .

ابتدا سردار بدن آقا حامد را بوسیدند و بعد شروع به گریه کردند . شدت گریه طوری بود که احساس کردیم بابت مجروحیت و بدن پراز ترکش حامد گریه می کنند .
کمی بعد که آرام تر شدند فرمودند: "مبادا فکر کنید من به زخم های حامد عزیز گریه می کنم، نه من بابت این گریه می کنم که یکی از شجاع ترین نفراتم را از دست دادم. هر وقت یک ماموریت مشکل و پر خطر بود حامد همیشه داوطلب بود .

شهید دانشجوی مدافع حرم حاج آقا

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نما سرفرازم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...



به نقل از برادر شهید



شاید بارها و بارها با خودم تکرار کرده ام که احمد چه شد و چگونه آسمانی شد، و هر بار به این کلمه و بیان می رسم؛ "ولایت".

احمد همواره می گفت: ولایت مطلقه فقیه، عامل رستگاری ماست و ما باید به این اصل و قاعده و منطق همواره پایبند و معتقد باشیم و اگر این اصل را فراموش کنیم، کشور دچار آسیب می شود چرا که این مملکت یک امانت در دست ماست و باید آن را به صاحب اصلی اش تقدیم کنیم.

شهمید دانشجوی مدافع حرم احمد الیاسی حاجیوند

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر
استان خوزستان

زکوة کی خدام این تب ختمه
چنان جیب نما سرفراز حرم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینچا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





وضع مالیش خوب بود، به تازگی برای دوره ی کارشناسی ارشد ثبت نام کرده بود.

فرزندش تنها دوروز داشت.

اما از همه ی اینها دل کند و می گفت اگر امروز به سوریه نروم چطور می توانم انتظار داشته باشم فرزندانم در کشورشان امنیت داشته باشند...

اسلام مرز ندارد... وقتی به شیعه و حرم حضرت زینب جسارت می کنند به مردم ایران و حرم امام رضا هم ممکن است جسارت کنند.

و سرانجام راهی دمشق
شهر عشق شد ...

مدافعان حرم اهل پرواز شدند
در معرض پایان، ولی آغاز شدند

آن ها را به کجا کشیده عشق حرمت
ایرانی بودند و سوریه سر باز شدند



شهید دانشجوی مداحم جواد محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد خبرنگاری
استان خراسان رضوی

زکوی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





مجتبی معتقد بود که سوریه و عراق هم مرز ما هستند و هم مرز اسلام. دفاع ما در سوریه تنها دفاع از خاک نیست بلکه رسالتی عظیم تر و مسئولیتی خطیر تر پیش رو است که همان دفاع از مرز اسلام است. من و همه پدر و مادر های شهدا، مانند موشکی هستیم که برای دفاع از اسلام همیشه آمادگی شلیک داریم.

مرد روز عمل و نیکوکار بهر شهید
ما اشداء علی الکفاریم

فکر مرگیم که در سرهامان
شور شیرین شهادت داریم

چه کسی گفته که ما مجبوریم؟
وقت جنگ است و همه مختاریم



شهید دانشجوی مدافع حرم مجتبی بخشی

دانشجوی کارشناسی حقوق
اسان خراسان رضوی

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماز مرا فرم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





واژه ها در برابر عمق عاطفه ی تو
حقیرند، که هنوز ترانه ی زندگی ات به
سطر سوم نرسیده بود و صدای عشق
به گوشت خورد و هوایی ات کرد ...
عجبا بر این طنین عاشقانه ای که شاه
دخت حیدر می زند ...
عاشقانه بودی که عاشقانه نوشتی:
”زیبای من خدا نگهدارت“
و چه خوش بخت نو عروسی است که تو
در بهشت به انتظارش نشسته ای ...

آنگونه که تورفتی

خدا هم برایت دست تکان داد ...
من بیخود دلخوش کرده بودم ...
به این کاسه آب ...

شهادت دانشجوی مداحم امین کریمی

دانشجوی کارشناسی الکترونیک
استان تهران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





این دنیا با تمام زیبایی ها و انسان های خوب محل گذر است و تمامی ما دیر یا زود باید برویم اما چه بهتر که زیبا برویم، در هیاهوی زندگی متوجه شدم که چه دویدنهایی که فقط پاهایم را از من گرفت در حالی که گویی ایستاده بودم، چه غصه هایی که فقط باعث سپیدی مویم شد اما در یافتنم که کسی هست که اگر بخواید می شود و اگر نه، نمی شود کاش نه می دویدم، نه غصه می خوردم، فقط او را می خوانادم.

و در آخر چند درخواست از جوانان هموطنم دارم؛ اول اینکه در هر صورت ممکن پشتیبان ولی فقیه باشند و بمانند، چون مملکت اسلامی بدون ولی فقیه ارزشی ندارد.
دوم به دختران مسلمان عرض کنم که حجاب زهرایی شما موجب حفظ نگاه برادران می شود.
سوم به پسران مسلمان عرض کنم بی اعتنائی شما و حفظ نگاه شما موجب حفظ حجاب خواهران خواهد شد.
لطفا سوره آل عمران آیه ۱۶۴ تا ۱۷۰ را قرائت کنید.

بخشی از وصیت نامه شهید



شهادت شهید دانشجوی مبارک امام لطفی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
استان تهران

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مبارزه نمی کردند که اگر دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





رفتن آسان نبود...
 آن زمان که چشمان معصوم میوه‌ی دلت
 را به دست مهربان بانویت سپردی ...
 دل که شیدا و هوایی بشود جز معشوق
 نمیبیند و نمی شنود... قرآن را در گنجیه
 ی دلت محفوظ داشتی و نماز را در کوچه
 و مهمانی برپا داشتی و این گونه آسمانی
 شدنت را تضمین کردی ...

دست نوشته شهید :

الهی و ربی من لی غیرک
 خدا یا می دانی که غیر از تو کسی را ندارم
 و کسی نیست بجز تو که از درون و برون
 من آگاه باشد لذا فقط از تو می خواهم که
 مرا هدایت کنی و همچنین یاریم کنی و
 در نهایت به سعادت واقعی برسانی که
 همان شهادت می باشد.



شکست داججوی مداحرم اکبر شیری

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
 استان تهران

زودکی خاتم این تبارم
 چنان جیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





بعضی هارفتن
غریبانه هم رفتن
بعضی هاشون حتی جسمشون برنگشته
و بعضی های دیگه مظلومانه روی دوش
مردم برگشتن

رفتن تا آقازاده ها و خیلی های
دیگه در امنیت و آرامش به دزدی
هاشون برس.
رفتن تا مرفهان بی درد با امنیتی
که دارن بشینن و جنگ در سوریه و
عراق را محکوم کنن.
رفتن تا سلطنت طلب ها و
ضدانقلاب با آرامش تا پاسی از
شب بشینن و شبکه های لس
آنجلسی خودفروخته را نگاه کنن.

البته برای این سربازهای از جان
گذشته و فدایی فرقی نمیکنه که
روزی جنگ تحمیلی بود، روزی
داخل کشور شورش مسلحانه شد
و با امروز جنگ نیابتی علیه
ایران راه افتاده چون هدف اون ها
ورای درک مخالفینشون هست.
اونها رفتن، میرن و خواهند رفت.
برای امنیت کشور، برای دفاع از
دین و برای رسیدن به شهادت.
و در این بین رو سیاهی میمونه
برای بعضی ها!!



شهید دانشجو مداحرم عبدالحسین لوفیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی
استان اصفهان

زکوهی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفروزم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجایا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





مهم ترین مسئله ای که منجر به حرکت قاطعانه در راه خدا می شود، ایمان و عقیده است. ایمان نمی آید مگر اینکه آگاهی حاصل شود. پس اگر نمی توانیم کاری انجام دهیم از روی ناآگاهی است! دل کندن از تمایلات دنیوی و وابستگی ها تنها در صورتی میسر می شود که مجاهد و مدافع بتواند پیش از حضور در میدان نبرد با خودش تصفیه حساب کند.

شهید وحید نومی گلزار از آگاهی رسیده بودند که همیشه می گفتند وظیفه ی من فقط زمانی نیست که دشمن به مرزهای کشورم تعدی کرده باشد!!

کم کردن شر تکفیری ها از سر مسلمانان و دور کردن آنها از حریم اهل بیت برای من احساس وجوب می آورد.

شهادت شجری مداحم و حمید نومی گلزار

دانشجوی کارشناسی شیمی آزمایشگاهی استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...



به نقل از برادر شهید



با دلی پر از شوق و عاشقانه عازم
 ماموریت به کشور سوریه می باشم و
 بسیار خوشحال و شادمان هستم و اگر
 خدا بپذیرد، جانم را در راه دفاع از
 حریمین شرفین و دین مقدسم تقدیم
 می نمایم و ان شاءالله این حقیر از
 سربازان امام زمان (عج) باشم و جزء
 افرادی باشم که در هنگام جان دادن
 ذکر لبم حسین(ع) باشد و با عشق مولا
 علی(ع) جان به جانان آفرین تسلیم
 نمایم.

از خانواده خودم و برادران پاسدار خودم
 و همه شما خواستارم که همیشه در راه
 حق و ولایت رهبری و انقلاب قدم
 بردارید و حافظ خون شهدا باشید تا
 بتوانیم پرچم اسلام را به دست صاحب
 بر حقش امام زمان (عج) برسانیم.

بخشی از وصیت شهید



شهید دانشجوی مداحرم امیر هودی علی

دانشجوی کاردانی معماری
 استان خوزستان

زودکی خاتم این تب خدایم
 چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





صدایی از کربلایی تازه، به گوش می
رسید که مظلومیت دوباره دختری را
فریاد می زد.

زینب(س)، عباس ها را فراخوانده بود
و غیرت در رگ هایت موج می زد.
و عشق را زمانی دیدم که دست
هایت را دادی تا غم در دل شیر
دختر علی نباشد. برای عباس،
فراش دل زد و برای تو
آسمانی از شب بی قراری می
کرد...

به راستی عجب راز عجیبی است
میان عباس(ع) و زینب(س) و
غیرتمندان عشق...

شهادت شهید دانشجوی مدافع حرم هشتم دهقان زنییا

دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی
استان اردبیل

زکوه کی خسام این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





سیدم تولدسال انقلاب بودو خودرا افرزندروح
الله میدانست. به همین جهت هم مراسم
عقدش را به سادگی در حرم امام^ع برگزار
کرد.

همین حرکات، رفتار و گفتار او باعث می
شد خیلی ها در همان برخورد اول
شیفته اش شوند....

همرمش در سوره می گفت: شب عاشورا
یک ماشین اصلاح آورد و گفت موهایم را
از ته بزَن فردا روز عاشورا ست غلام که
نیاید مو داشته باشد....

دائم ذکر حضرت زهرا سلام الله علیها بر لب
داشت. این ارادت قلبی او به مادرش
حضرت زهرا سلام الله علیها باعث شده همچون
مادر پهلو شکسته اش با اصابت ترکش
به ناحیه پهلو شهید شود.

۱۹آبان مردم و آسمان رشت می
گریستند و سید اسماعیل می
خندید. شاید چون یک بار دیگر
توانسته بود همه را زیر یک بیرق
جمع کند .

بیرق انقلاب و شهدا ...



شهادت شهید دانشجوی مدحرم سید اسماعیل است

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
استان گیلان

زودکی خاتم این تبخیرم
چنان جیب نما سرفرازم

شهادای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





من از خداوند توفیق شهادت را زمانی که در مبارزه با صهیونیسم این دشمن حقیقی، می جنگم خواستم. تا بگویم که من توانستم یهودیانی که کینه حضرت علی (ع) را تا امروزه در دل مردم کاشته اند را از بین ببرم. تا بتوانم مرهمی بر دردهای امیرالمومنین (ع) و حضرت زهرا (س) باشم.

در زمان جنگ جمله معروفی بود که رزمندگان اسلام می گفتند: «ما آمده ایم که انتقام سیلی حضرت زهرا (س) را بگیریم». و امیدوارم خداوند توفیق بدهد که این مسیر ادامه پیدا کند و لیاقت داشته باشیم که در رکاب فرزند برومندش، صاحب امر، دفاع کنیم و دین خویش را اداء کنیم.

شهادت و شجرتی مداحم اسماعیل حدادی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
استان مازندران

زکوهی خاسته این تبارم
چنان جیب نظامم مدافعم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...

۱۳۹۶





حمید عاشق این شعر بود:

علوی می جنگم ، مر تضوی می میرم
انتقام حرم ز زینب من می گیرم
حسنی مذهبم و حسینی آیینم
من پای ناموس علی شاهرگم رو می دم

و در نهایت هم ترکش به شاهرگش
نشست، در حالی که آرام آرام
چشمهایش بسته می شد دوستش
گفت: "حمید اربابت روز عاشورا در معرکه
نماز خواند تو هم باید وسط معرکه نماز
بخوانی به جای نماز بگو الله اکبر"
صدایش نیامد ولی لبهایش تکان خورد.
اینگونه نماز خواند و در آن حال و هوا به
ارباب با وفایش رسید ...



شهمید دانشجوی مدافع حرم حمید رضا اسداللهی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب
استان تهران

زودکی خاتم این تبخترمه
چنان جیب نماز مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





شهادت دانشجوی مدافع حرم احمد قاسمی

دانشجوی کارشناسی ارشد مکانیک
استان چهارمحال و بختیاری

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سوزد از حرم

کوه باشی، سیل یا باران چه فرقی می‌کند؟
سرو باشی، باد یا طوفان چه فرقی می‌کند؟

مرزها سهم زمین آند و تو سهم آسمان
آسمان شام یا ایران چه فرقی می‌کند؟

قفل باید بشکند باید قفس را بشکنیم
حصر الزهرا و آبادان چه فرقی می‌کند؟

مرز ما عشق است هر جا اوست آنجا خاک ماست
سامرا، غزه، حلب، تهران چه فرقی می‌کند؟

هر که را صبح شهادت نیست شام مرگ هست
بی شهادت مرگ با خسران چه فرقی می‌کند؟

شعله در شعله تن ققنوس می‌سوزد ولی
لحظه‌ی آغاز با پایان چه فرقی می‌کند؟

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می‌جنگیدیم ...





به نام خالق هستی، همان خدایی که
 مرا آفرید اینگونه پرورش داد و مشتاق
 خود نمود. معبودی که بنده نوازش بی
 حد شرمسارم ساخته است. معشوقی
 که قلبم در آستانه وصالش ملتهب
 است و بی تاب. آنگونه که نزدیک
 است به شوق لقایش قالب تھی کنم و
 تا ملکوت پیر گشایم.

برادران و خواهران عزیزم!
 به شما درود می فرستم و شما را به تقوای
 الهی سفارش می کنم از شما می خواهم که
 فرزندانمان را خوب تربیت کنید و در همه
 حال پیرو و مدافع ولایت فقیه باشید و
 نان حلال بخورید.

شهید دانشجوی مدافع حرم ابوزرد داوود

دانشجوی کارشناسی حقوق
 استان فارس

زودکی خاتم این تب خاتم
 چنان جیب نماست مدافع حرم

وصیت شهید

شهادت مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...

۱۳۹۲





نظر همسر شهید در این مورد که مدافعان
حرم برای پول می روند:

شوهر من به ندای نایب امام زمان خودش
لیبک گفت، به ندای امام خامنه‌ای.
او آرزوی شهادت را داشت و داوطلبانه به
سوریه رفت. ابوذر به من و زندگی‌اش
دلبستگی داشت. قیمت گذشتن از این
دلبستگی چیست؟

برخی که سعی می‌کنند انگیزه‌های مادی
را علت حضور مدافعان حرم در جبهه‌ها
معرفی کنند، خودشان لحظات بودن
در کنار خانواده را چه قیمتی می
گذارند؟؟

بگذریم از اینکه شکر خدا زندگی‌مان از
لحاظ مادی چیزی کم نداشت. او از
زندگی‌اش برای یک هدف والا گذشت. تا
هدف قرب الهی نباشد هیچ انسانی جان
خود را به خطر نمی‌اندازد. از اینها گذشته
اگر عزیزت نباشد دنیایی از مال و اموال
به چه دردت می‌خورد؟



شهید دانشجوی مدافع حرم ابوذر امجدیان

دانشجوی کارشناسی ارشد IT
استان کرمانشاه

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهیدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می‌جنگیدیم ...

۱۳۹۲





گذاشتن و گذشتن هرگز کار آسانی نبوده است... چه سالها بگذرد و چه تازگی داشته باشد... میوه ای سه ماهه را با گریه ها و بهانه های کودکانه اش در آغوش مادری تنها رها کردن فقط غیرتی آمیخته با عشق را می خواهد!..

وقتی لشکر دلت با صدای جنگ پا به جلو می کوبد یعنی کاری از دست هیچکس بر نمی آید... باید روانه شد...

احسنت به شیر بانویت که بند پوتین لشکر یان قلبت را سفت و محکم گره زد تا صدای گریه های محمد پوریا هم برایت باز نشان نکند...

شهید مرتضی آوینی :

شهید شدن دل می خواهد!! دلی که آنقدر قوی باشد و بتواند بریده شود از همه تعلقات دلی که آرام له شود زیر پایت به وقت بریدن و رفتن و شهیدا 'دلدار بی دل' بودن



شهید دانشجوی ملاحرم محمد ابراهیم توفیقیان

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی استان خراسان شمالی

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب مناسبت مرا فرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجای در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





دور تا دور حرم صف بسته ماه
فاطمیون بر حرامی بسته راه

لشکر مردان افغانی نسب
فاتحان رقه و حمص و حلب

ببرق سرخ حسینی را به دست
از می ناب ولایت گشته مست

بر شهادت کرده عمری آرزو
سر دهند اما نه سنگر بر عدو

گو سرا پا شعله بارد از دم عشق
یک قدم پا پس نهد کی مرد عشق؟

چون شهادت را نپندارد هلاک
فاطمیون جان دهند اما نه خاک



شهمید دانشجوی مداحرم محمد رضا

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام
لشکر فاطمیون

ز کوه کی خسام این تب خمارم
چنان جیب نما سوزانم

شهادای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





شهید دانشجوی مداح حرم احمد اعطای

اهل تساهل و تسامح نبود که بگوید به خاطر تفکرات مخالف، سکوت می‌کنم و از ارزش‌هایم گویم. سر هر مسأله‌ای هم که کوتاه می‌آمد سر موضوع ولایت و رهبری کوتاه نمی‌آمد. ولایت فقیه را با هیچ مصلحت‌اندیشی معامله نمی‌کرد. همسرش می‌گوید: "به قدری به حضرت آقا ارادت داشت و ولایی بود که یک تابلو درست کرده و جلوی ورودی منزل نصب کرده بود که روی آن نوشته شده بود هر که دارد بر ولایت بدگمان، حق ندارد پا گذارد در این مکان" و می‌گفت: "کسی که آقا را قبول ندارد، مدیون است که نان من را بخورد. آقا یعنی علی و علی یعنی اهل بیت (ع) و همه این‌ها به هم وصل هستند."

دانشجوی کارشناسی برق
استان تهران

زکوهی خاتم این تبارم
چنان جیب نماز مرا حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می‌جنگیدیم ...



به روایت همسر شهید



با وجود کم سن و سال بودن اصلا وابسته به این دنیا نبود و همه را تشویق به وابسته نشدن به دنیا و متعلقات آن می کرد.

مصطفی طراح و مبتکر خوبی بود حتی طرح یک ناو را به سازمان نخبگان فرستاده و بالاترین امتیاز را گرفت و بعد از یک ماه در کشور کانادا پذیرفته شده بود و برایش دعوت نامه آمده بود که برای ادامه تحصیل به کانادا برود . اما مصطفی قبول نکرد...

جانانه به جان خویش **جان پس دادند** درسی که به جای دیگران پس دادند در سوره دیدیم دهه هفتادی ها با نمره ی بیست امتحان پس دادند

دانشجوی کارشناسی میکائیک
استان تهران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرافرازم

شهید دانشجوی مدافع حرم سیدی موسو



شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...

۱۳۹۲





بعضی ها زندگی عجیبی دارند...
خوش به سعادتت هر پنجشنبه و جمعه
صفا و ندبه با شهدا برایت ترک نشد...
همیشه به آنها سلام میدادی و میگفتی
زنده هستند... همیشه عاشق بودی... از
کودکی ات در کلاس های قرآن و مسجد
گرفته تا ساده زندگی کردنت و قلب
بزرگت که میدانست هر چه ببخشد برای
خودش جمع کرده است...
خلق و خویت امام زمانی بود و حضرت
عشق گلچینت کرد...
گوشه و کنار همه ی دفترها و کتاب
هایت نوشته بودی "میکشی مرا
حسین"... در آخر دیدم، عاشق که باشی
خود حسین شهیدت میکند تا که در
لاله زار عشق بمانی...
سلام بر تو ای برادر زنده ی جاویدان
سلام بر تو...

شکست دشتجوی مداحم مهدی عزیز

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
استان تهران

زودکی خاتم این تبر خرم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و یقین استازها با اینها
می جنگیدیم ...





مادرانه هارا به گونه ای دیگر
 مینویسند. در لشکر فاطمیون باشی و
 ایام شهادت حضرت مادر باشد.
 فرماندهی گردانی به نام علی اکبر
 بودی. حمله که کردند امانشان ندادی
 و یک تنه به سمتشان رفتی. ترکش
 خمپاره به زمین انداختت. لب هایت
 طالب جرعه ی آب بودند و همه درگیر
 جنگ. مرد بودی که عقب نشینی را
 نامردی دیدی! کویر لبهایت به آب
 روشن نشد. لحظه ای صدای فریاد
 همگان آمد.
 مهدی رفت...
 و تورا مادرانه و حسینی زده بودند...
 تیری به پهلو...
 تیری به سینه،
 و گلوله ای به گردن...
 با لب هایی خشک...
 عجب شهادتی!
 ایام فاطمیه... لشکر فاطمیون...
 گردان علی اکبر... لب تشنه...
 پهلو و سینه و گلو ی زخمی...
 آه از تکرار عاشورا...

شهادت دانشجوی مادر محرم مهدی صابری

دانشجوی کارشناسی زمین شناسی
 لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبر خرم
 چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





سالهاست در انتظار چنین روزی بودم که بتوانم مانند جوانهای انقلابی و شهدای دفاع مقدس در سنگرها حضور پیدا کنم و از وطن و مقدسات و ارزشهایم دفاع نمایم امروز، این فرصت که برای بنده ی حقیر محیا شده است را غنیمت شمردم و به ندای الهی لبیک گفتم

پیامبر می فرماید: "هر کس ندای فریاد خواهی مسلمانی را بشنود و به کمک او نشتابد مسلمان نیست."
آیا ندای فریاد خواهی ملت‌های مظلوم و مسلمان را نمی شنوید امروز روزی است که باید مسلمان بودن خود را ثابت کنیم و قدرت خود را به دشمن نشان دهیم.

بخشی از وصیت شهید



شهید دانشجوی مدافع حرم علی مینعات

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر
استان خوزستان

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





خیلی راحت می توانستی در قم
 بمائی، به استادی خودت افتخار کنی و
 از آن لذت ببری اما نمی دانم چه شده
 هر دری زدی تا بتوانی اعزاز بشوی و
 آخر هم از طریق بچه های رزمی-
 تبلیغاتی رفتی اما دیگر بر نگشتی.
 بقیه دوستانت همان هایی که قبل از
 عملیات نماز جماعت خواندید و
 بعدش حنا بستید برگشتند، اما در
 بین آنها اثری از تو نبود چقدر اخلاص
 داشتی همان طور که با گمنامی به
 سوریه رفتی با گمنامی هم در گوشه
 ای از آن خاک غریب آرام گرفتی.
 خودمانیم ولی چه حالی دارد این گمنا
 می...

شهادت ملا محمد حجت الاسلام محمدی مالامیری

مدرس حوزه علمیه
 لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم
 چنان جیب نماز در دفاعم

شهادای مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





در این مقطع زمانی که همگی
استکیار و گردن کشان ستمگر کمر
به همت تضعیف و تسلیم ساختن
انقلاب و نظام اسلامی با تمامی شیوه
های فرهنگی، تبلیغی، جنگ نرم و
تسخیر کردن فکر و ذهن جوان ما
دارند، همگی ما باید در فتنه ها از
مسیر حق منحرف نشویم و چشم به
چراغ بان و روشنای راه این مسیر،
مقام عظمای ولایت داشته باشیم.

بخشی وصیت شهید

عاشق کیش کر بلائی هستیم
دل بسته آن روح خدایی هستیم
در فکر خطای خود بمیر ای دشمن
چون هنوز هم همه ولایی هستیم

شهادت دانشجوی دفاع حرم مازندران

دانشجوی کارشناسی جغرافیا
استان فارس

زودکی خاتم این تب خرم
چنان جیب نماست دفاع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و یقین استازها با اینها
می جنگیدیم ...

۱۳۹۶





مراسم تشییع شهدای غواص و بازگشت پرستوهای مهاجر به وطن، شهید خیزاب را برای پیوستن به کاروان شهدا هوایی کرده و لحظه شماری می کرد تا به باران شهیدش ببیوندد.

بعد از مراسم تشییع شهدای غواص که وی ساعتها در کنار آنها بود، گفت: "اول شهادت و بعد سلامتی خانواده را از شهدای غواص خواستم و به هر دو خواسته نیز خواهم رسید." وی همواره می گفت آرزو دارم با گلوله مستقیم دشمن شهید شوم و به من نیز تاکید کرد اگر دیدی سر بر تن من نیست، گلوگام را بیوس و بگو خدایا این قربانی را از ما بپذیر.

به نقل از همسر شهید



شهید دانشجوی مدافع حرم مسلم خیزاب

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی
استان اصفهان

زودکی خاتم این تب خیزاب
چنان جیب نظام مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





قرآن واسطه آشنایی مان شد شب
خواستگاری هم گفت هفتم شهادت
است و می خواهم با کسی ازدواج کنم که
مانع راهم نشود.

من چیز بدی که در رسانه ها می
خوانم این است که فقط می آیند
قضیه حرم حضرت زینب کبری (س)
را پر رنگ می کنند، در حالی که قضیه
فقط این نیست، قضیه این است که
دشمنان دارند به اسم اسلام، سر
اسلام را می برند و این خیلی بالاتر
است. حرم خانم زینب کبری (س)
محدوده اش بیشتر از حرم است.
شوهرم بیشتر روی این موضوع
تاکید داشت.

شهید دانشجوی مدافع حرم ترضی زارع

دانشجوی کارشناسی مدیریت دولتی
استان اصفهان

زودکی خاتم این تب ختمه
چنان جیب نماست مدافع حرم

به روایت همسر شهید

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





محمد هادی دو سال و نیمه است و هنوز شهادت پدرش را درک نمی کند و متوجه نمی شود. خیلی به پدرش عادت دارد. پدرش خیلی با او سر و کله می زد. شب که از سر کار برمی گشت اکثر وقتش را با محمد هادی می گذراند. آقا محمود هر جا هم می خواست برود محمد هادی را هم با خود می برد. قبل از رفتنش به سوره گفت: «من از هر دوی شما دل کندم.» امیدوارم خدا کمک کند بتوانم او را همان طور که پدرش می خواست تربیت کنم.

تشنه ست! شبیه ماهی است بی دریا
یا، آهوی پا بسته میان صحرا
صبری بده ای خدا، به فرزند شهید
وقتی که بلد شد بنویسد: بابا...



شهید دانشجوی مبارک محمد نریانی

دانشجوی کاردانی شبکه های کامپیوتر
استان البرز

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست دفاعم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





هر چه بیشتر از این جنگ می خوانم عجیب تر می شوم. انگار دنیا برای بعضی ها به گونه ای دیگر است. انگار بعضی ها جور دیگری عاشق اند. جور دیگری می بیند جور دیگری نفس می کشند. چه بنویسیم برای لذتی که از شهادت می بری؟! چه بنویسیم از بازهرایی که روی لبث داتما تکرار می شود و قطع نمی شود!؟

آخر چه بگویم ؛ بگویم باران تیر تو را به زمین کوید؟! بگویم تیری به پهلویت و دست ها و پا و کمرت خورد!؟

آخر چه بگویم!؟ مگر می شود وصف کرد درد لذت بخش را!؟ من اگر نویسنده ی این چنین عشقی بودم که کنارت فریاد لیبیک باز نبستمی دادم نه ... سکوت و قلم را نمی شود ... نه ... نمی شود اینچنین وصف کرد؛ باید بخوانند ... همه باید بدانند ...

ظلم است ...
اینگونه حق این عشق اندا نمی شود همه باید خودشان قصه ها بنان را بخوانند ...
از ما چیزی ساخته نیست ...



شهادت دانشجوی کارشناسی نقشه کشی و طراحی صنعتی استان خراسان رضوی

دانشجوی کارشناسی نقشه کشی و طراحی صنعتی استان خراسان رضوی

زودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نظام دفاع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





محمدرضا جان بیا و بنگر چه
کسانی دم از تو ای شهید می
زنند.
اینان دو دسته اند:
دسته ی اول کسانی که تمام دغدغه
ی زندگی و عمرشان شهید شدن و
شهادت است. اینان در واقع ادامه
دهنده راه شهیدان هستند و دامان و
قلب و روح خود را با گل تقوا آراسته
اند.

اما دسته ی دوم کسانی که چند
صباحی جذب ظاهر یک شهید می
شوند هر روز هر شهیدی که زیباتر بود
برایش عاشقانه ها می سرایند اما از
مرام و معرفتش بویی نبرده اند اینان
نااهلان و نامحرمانی هستند که به
قول امام راحل نباید بگذاریم انقلاب
و دستاوردهایش به دست اینان
بیفتند.
آری برادر و خواهر معنوی شهید
شهیدا عاشق و معشوق نمی خواهند
بلکه شهیدا رهرو می خواهند.

پندنامه مادر شهید

شهبودانشجوی مدافع حرم محمدرضا دهقان

دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق
استان تهران

زودکی خاتم این تبخیرمه
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهیدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینچا در کرمانشاه و
همدان و یقبه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





خدارا شکر که بیمار حسینم
 نه بی دردم که من در د آشنایم
 دل زخمی است صاحب خانه ی غم
 خوشم با غم که نزدیک حسینم
 من و غم نسبتی دیرینه داریم
 به غم شادام که دائم در نوایم
 نفس مهموم و دل مغشوش و سر مست
 به هر آهی تمنایی نمایم
 گنه کارم ولی بی غم نباشم
 نمک پرورده آل عبایم

تقدیمی به شهید

شهادت دانشجوی مدافع حرم محمد حسین مراد

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری
 استان تهران

زکودکی خاتم این تب ختم شد
 چنان جیب نما سرفراز ختم

شهادت مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی کردند، این
 دشمن می آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می جنگیدیم ...





دیدم دارد عکس پسرش امیر حسین را نگاه می کند.
چندتا از عکس هایش را نشانم داد و گفت: " نگاه کن ببین چقدر تپل شده! ببین چقدر قشنگه!"
فقط خدا می داند با چه حالی از امیر حسین و شیرین کاری هایش حرف می زد و کیف می کرد. به من گفت: "بیا یک چند روز تیپ را بگیر دستت من بروم خانه و بچه ام را ببینم."
گفتم باشد، اما بعدش آن قدر کار پیش آمد که اصلا ماجرا را فراموش کردیم.
به خودمان آمدیدم، دیدیم من نزدیک هشتاد روز است که در منطقه هستم و خانواده ام را ندیده ام و عمار صدر روز ...

شکست و استجوی مداح محمد بن محمد خا

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی
استان تهران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

به نقل از هرمز شهید

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





بدانیم ای فرزندانم که دشمن به هر
روش می خواهد شما را نابود کند و با
هر ابزاری وارد می شود.
هوشیار باشید که اسیر زیبایی هایی
که دشمن فراهم می کند نشوید.
چرا که می خواهد اول دینتان را از
دنیایتان جدا کند و بعد دینتان را از
بین ببرد و در آخر هم خودتان را ...

بخشی از وصیت شهید

شهید دانشجوی مدافع حرم محمد بن حمزه

دانشجوی کارشناسی IT
سمنان

زکوهی خاسته این تبارم
چنان جیب نظام مدافع حرم

شهیدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





عمل به توصیه های رهبری در ابعاد اقتصاد مقاومتی، هسته ای فرهنگی خواست شهدا و خانواده آنان و آحاد جامعه است. به عمل کار برآید به سخنرانی نیست، خیلی ها خوب سخنرانی می کنند اما در عمل کارشان لنگ است و مصداقش را رهبر گرانقدر انقلاب در سخنان اخیر فرمودند که با حرف زدن مشکل حل نمی شود.

با وعده های سفید در کاغذ مشکلی رفع نمی شود بلکه باید مثل شهدا عمل کرد که جانشان را در کفه اخلاص قرار دادند تا دین پابرجا و برقرار بماند. شهدا همه هستی خود را دادند. اگر دانشگاه و مراکز فرهنگی و صنعتی ساخته می شویم مسئولین نباید منت بگذارند. منتخبات شدند تا برای مردم خدمت کنند در غیر این صورت می توانند کنار بروند.

شهادت شجری مدافع حسین بواس

دانشجوی کاردانی تربیت بدنی
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





خدا را شاکرم که لباس سپاه را بر تن کردم و با بهترین ها همکار بودم و لحظه ای از کار کردن در سپاه پشیمان نیستم و به آن فخر می کنم همکاران عزیزم! سپاه یک نهاد انقلابی است قدر آن را نمی شود با حقوق و مزایای ماهیانه مشخص کرد، این نهاد به قیمت خون شهدا و اینارگری اینارگران شکل گرفته و اگر کسی به نگاه شغل و کسب در آمد ماهیانه به این نهاد پا گذاشته باید نگاه خود را اصلاح کند یا باید از این نهاد خداحافظی کند، وگرنه به خون شهدا خیانت خواهد کرد.

دشمنان این نظام به سپاه چشم طمع دوخته اند، زیرا سپاه خار چشم دشمنان شده است و می خواهند با دنیا طلبی و اشرافی گری ما را خنثی کنند

شهادت شهید دانشجوی مدافع حرم محمدلباس

دانشجوی کارشناسی مدیریت دولتی
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نظام مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





محمد خیلی به ائمه ارادت داشت ولی
چهار تن از این بزرگواران همه‌ی زندگی
محمد بودند. حضرت زهرا(س)، امام
حسین(ع)، امام رضا(ع)، حضرت علی
اکبر(ع)...

امروز که به شهادت محمد نگاه می‌کنم
می‌بینم که ارادت او کار خودش را کرد و
آنها با محمد معامله کردند...

محمد در رکاب امام حسین(ع) در
صحرای کرب و بلای سوریه شهید شد
. همچون حضرت زهرا(س) بینام و
نشان، مانند امام رضا(ع) در کشوری
غریب و همچون علی اکبر(ع) در سنین
جوانی و در بیست و هفت سالگی
آسمانی شد.

اوبه هر آنچه دوست داشت رسید.

شهادت دانشجوی مدافع حرم محمد ائمانلو

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی
استان البرز

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نظام مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می‌جنگیدیم ...



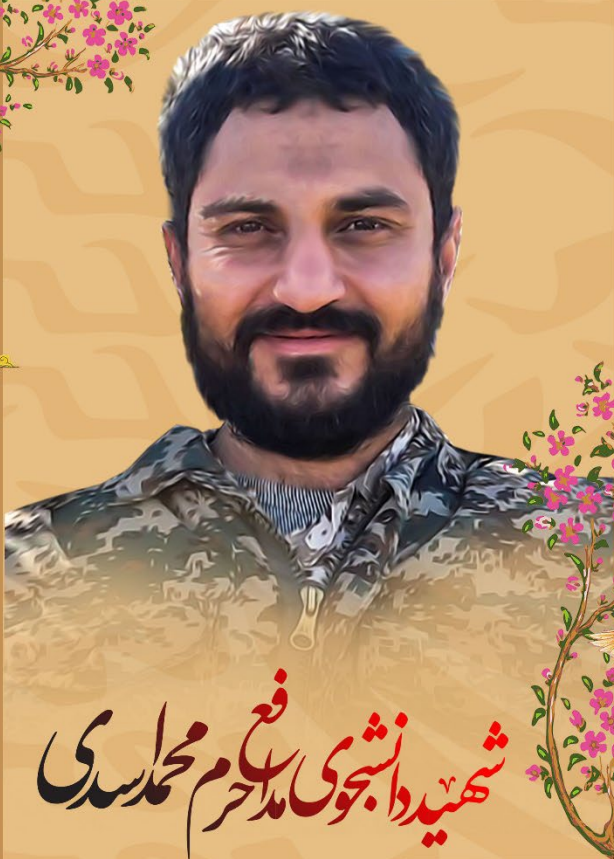


در این مدت این جمله را می شنیدیم که اگر محمد آقا (غلام عباس) با این تحصیلاتش می ماند، می توانست آینده خوبی داشته باشد. خیلی ها به ما گفتند حیفا این پسر نبود که گذاشتید برود؟ و ما هم در جوابشان گفتیم: حیفا محمد (غلام عباس) که می ماند. او برای دفاع از ناموس شما رفت و آن قدر مردانگی داشت که نگذارد جنگ به مرزها کشیده شود.

به نقل از مادر شهید

مثل شهید، مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند.

شهید مرتضی آوینی



شهید دانشجوی مدافع حرم محمدری

دانشجوی کارشناسی حقوق
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم
چنان حبیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی او گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





همیشه و همه جا فرمانده بوده ای.
انتخاب شده از گذشته ها برای
سپاه زینب.
انگار ، خداوند خودش تربیت کننده
ی تو برای دفاع از حضرت بانو بوده
است .

تو که مدح مظلومیتش را خوب می
دانستی و همگان با صداقت فراته
اشک را جاری می کردند .
گویا چون حسین(ع) ، برادرانه برای
زینب قرآن را حفظ کرده بودی تا
لحظه های آسمانی شدنش را آنگونه
سپری کنی ...

شهادت دانشجوی مداح محرم محمد آژند

دانشجوی کارشناسی مدیریت
استان تهران

زکوهی خاسته این تبخیر
چنان جیب نماست مدافع محرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





فرزندان عزیزم مواظب عملیات روانی دشمن باشید، شما هیچ حقی بر گردن ملت ندارید مگر وظیفه خدمت به مردم. اگر مفقودالایر شدم هرگز بخاطر این جسم گناهکار خاطر آقا را پریشان نکنید، که خاطر حضرت آقا برایم از همه عزیز تر است.

بسیار مواظب باشید که فتنه گران گاه به نام ولایت در پی آن خواهند بود تا شما را در مقابل ولایت قرار بدهند.

بخشی از وصیت نامه شهید شهدا

در خط جهاد همیشه گمنام شدند
با ذکر حسین و زینب آرام شدند

اینان نه فقط مدافعان حرم اند
امروز مدافعان ولایت و اسلام شدند



شهید دانشجوی مدافع حرم محرابی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماز مرا فرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





کوه باشی، سیل یا باران چه فرقی می کند؟
سرو باشی، باد یا طوفان چه فرقی می کند؟

مرزها سهم زمین اند و تو سهم آسمان
آسمان شام یا ایران چه فرقی می کند؟

قفل باید بشکند باید قفس را بشکنیم
حصر الزهرا و آبادان چه فرقی می کند؟

مرز ما عشق است هر جا اوست آنجا خاک ماست
سامرا، غزه، حلب، تهران چه فرقی می کند؟

هر که را صبح شهادت نیست شام مرگ هست
بی شهادت مرگ با خسران چه فرقی می کند؟

شعله در شعله تن فتنوس می سوزد ولی
لحظه ی آغاز با پایان چه فرقی می کند؟

شهادت استاد مداحرم مجید محمد

استاد دانشگاه
استان خوزستان

زکوه کی خسام این تب خدایم
چنان جیب نما سوزد مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...

۱۳۹۶





شهادت بالاترین چیزی است که آدم
برای عزیزش می خواهد، شهادت اقا
کمیل منت خدا بر سر ما بود.
شعری بود که شهید همیشه برای من
می خواندند:

هر آن او خاطری مجموع و یاری دلنشین دارد
سعادت همدم او گشت و دولت همنشین دارد
حریم عشق را در که بسی بالاتر از عقل است
کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

به روایت همسر شهید

ای شهید...

کربلارا یک نظر بر شور و شیبنت کرده ای
اقتداره راه عشق همچون خمینت کرده ای
مرحبا بر تو کمیل این عزت و این افتخار
چون فدا این جان و تن بهر حسینت کرده ای



شهادت دانشجوی مدافع حرم قمی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی جامدات
استان اصفهان

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





ما که از حریم عشق جامانده ایم به
خودمان می‌گوییم عیبی ندارد همینجا با
درس خواندن و پیرو راهشان بودن
مجاهدت کرده ایم .
امانه ... این نیست ...
چه بسیار بودند که تحصیلات عالیه
داشتند و رفتند ...

گفته بودی برای دکترا میروی و منتظر
قبول شدنت هستی ...
عجب مدرکی در دانشگاه عمه‌ی سادات
گرفتی برادر!
همه می‌گفتند با این تحصیلات بمانی و
خدمت کنی بهتر است ...

هرچه کردند درخواست تو این بود «اگر
امکانش هست من راهم قبول کنید»...
یکی چون تو، در صف التماس قبول شدن
و شرکت در این دانشگاه عشق است و
یکی چون ما، بهانه میاوریم که گفتند نرو...
!!!

براستی که چه فرق عظیمی است میان
آنانکه انتخاب می‌شوند و آنان که جا می
مانند ...



شهادت دانشجو مبارک محمد کلامی

دانشجوی دکترای فلسفه و کلام اسلامی
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم
چنان حبیب نظامم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و یقیناً استازها با اینها
می‌جنگیدیم ...

۱۳۹۶





سعی کن فاطمه و ریحانه را طوری تربیت کنی که با فهمیدن و درک واقعی معنی حجاب، حجاب را رعایت کنند همچون که خودت برای بنده و آشنایان آیینه حجاب بوده و هستی و به شما افتخار می کنم.

وصیت شهید به همسرش

ای شهید
دختران زیادی هستند،
که هر روز پشت سنگر چادرشان
از خونتان دفاع می کنند؛
با امر به معروف نهی از منکر.
هر لحظه شهید می شوند با طعنه
های مردم شهر؛ برای زنده نگه
داشتن اسلام؛ اینان شهیدان زنده
اند ...

شهید دانشجوی مدافع حرم علی رضا قزاور

دانشجوی کارشناسی الهیات
استان فارس

زودکی خاتم این تب خاتم
چنان حبیب نظام مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





ای کاش صحبت های حاج احمد
کازمی سرلوحه ی کار امثال بنده که
خادمی مجموعه ای را عهده دار
شدیم قرار گیرد.
ای کاش وصیت نامه شهدا که
قاب اتاق های ما را اشغال نموده،
دلها یمان را اشغال می نمود.
ای کاش صحبهای ولی امر مسلمین
که سرلوحه زندگی روزمره ما شده
است، سرلوحه اعمالمان می شد.
ای کاش دل حضرت زهرا(س) با
اعمال ما خون نمی شد.
و ای کاش ظهور مهدی فاطمه(س)
با اعمال ما به تاخیر نمی افتاد...

بخشی از وصیت نامه شهید

شهادت دانشجوی مدافع حرم قدیر سرک

دانشجوی کارشناسی جغرافیا
و برنامه ریزی روستایی
استان تهران

زودکی خاتم این تبار خرم
چنان جیب نظام مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





مانمردیم که آسفتگی آغاز شود
باز هم پای حرامی به حرم باز شود

پرچم سبزولی نعمت‌مان تا بالاست
ذوالفقار است که در دست ابوحامدهاست

سینه ما سپر تیر و ستان می گردد
راه ما ختم به آغوش جنان می گردد

مدافعان همگی حامی مکتب هستند
باسبان حرم حضرت زینب (س) هستند

گر چه کشتید ولی مردان دیگر داریم
ما محال است که دست از شهدا برداریم

غیرت خون علی (ع) در رگ ما هست هنوز
شمر نابود شد و کربلا هست هنوز

آه مظلوم بر این دامنتان می گیرد
آتش شیعیه به پیراهنتان می گیرد

می رسد منتقم خون خدا از این راه
هر که دارد هوس کربلا بسم الله

شهادت شهید دانشجوی مداح حرم فیروز حمیدزاده

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی
استان خراسان شمالی

زودکی خدایم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با آنها
می جنگیدیم ...





همیشه بهترین بودی و با آن لبخند و
تبسم دائمی ات کسی نبود که با تو
باشد و به تو علاقه مند نشود ...
از کلاس درس گرفته تا انتخابت در
دانشگاه ...

باهوش و با استعداد و زیرک ...
ولی بهترین تر شدی که آمدی و
گفتی دلم هوایی نوای زینب(س)
شده است ...

حذف واحد برای بازنگشتن چه سود
!!

در آزمونی نهایی شدی که مدرکی
بالاتر از شهادت لایقت نبود ...
راست گفتند: فرامرز تر از جغرافیای
محدود این قفس بودی ...

شهمید دانشجوی مدافع حرم محسن فرامرز

دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق
استان تهران

زکوهی خاتم این تب خرم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





دوران دبیرستان را در دبیرستان شهید قاضی گذراند و در کنکور رشته ی پزشکی قبول شد اما سرانجام در سپاه بودن را به پزشک بودن ترجیح داد و وارد دانشگاه امام حسین (ع) تهران شد.
به نقل از پدر شهید

بخشی از وصیت نامه شهید:

بسمه تعالی
اینجانب بنده گناهکار خدا از شما امت شهید پرور تقاضا دارم که مطیع حرف این و آن نباشید و این گونه نباشید که بخاطر حرف عده ای حرف رهبر روی زمین بماند یا اگر حرف ولی را مخالف با میل شخصی دیدیم به آن عمل نکنیم.



شهید دانشجوی مدافع حرم محمد رضا فخری

دانشجوی کارشناسی مدیریت دولتی
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تب خدایم
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





می خواستم منصرفش کنم. دعا می کردم که بتونم باهاش صحبت کنم و راضی بشون کنم که نزن. به ایشون گفتم برادرم تو پنج خواهر داری و یک مادر پیر ناتوان، در راه انقلاب هم یک دسته گل (برادر بزرگترش که شهید شده) هدیه دادیم، تو دیگر نرو. گفت حضرت زینب (س) به شما صبر میده ...

گفتم برای پول میخوای بری؟ گفت به حضرت زینب (س) نمی بخشمت یعنی برادرت را نمی شناسی!؟

بهر روایت خواهر شهید
آنجا که انسانی دست به شهادت می زند و حب ذات را می شکند کاخ محاسبات کامپیوترها و تکنولوژی غرب با همه اسلحه ها در مقابل اراده یک انسان شهید فرو می ریزد.

شهید دکتر مصطفی چمران



شهید دانشجوی مداحم احسان احمدی

دانشجوی کاردانی تربیت بدنی
استان خوزستان

زودکی خاتم این تبارم
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





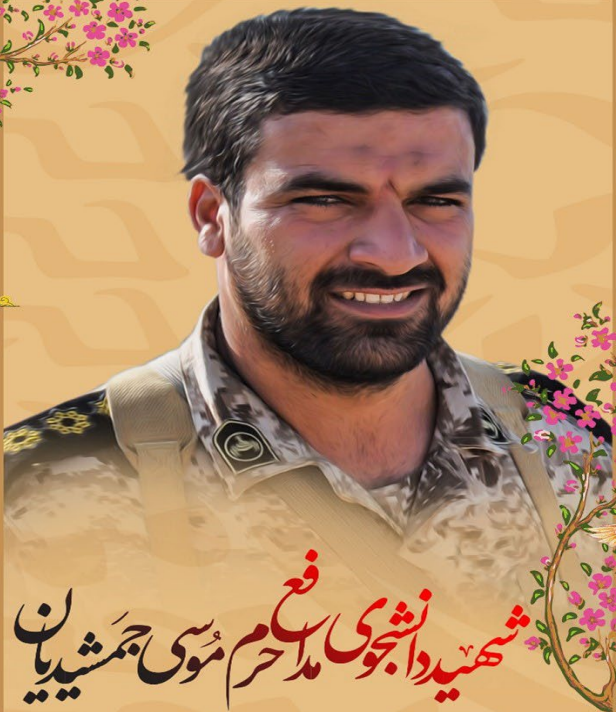
شهید دانشجوی مدافع حرم علی شهنایی

استان اصفهان

زکوهی خاتم این تبر خاتم
چنان جیب نما سرفراز حرم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





چه از بست که همه‌ی نزدیکان شهدا از
خوش خنده بودن و مهر بانی شهدا می
گویند.
انسان بی نظیری بود. و به معنای واقعی
کلمه شخصی رستگار.
باموسی برای مأموریت عازم شدیم. بارها
در حین عملیات، به موسی می‌گفتم، بعد
از روح الله و علی رضا (شهدای مدافع
حرم، روح الله کافی زاده و علیرضانوری)
نوبت من است.
غافل از اینکه شهدا دلشون را آماده می
کنند و ما...

چه زیبا
ملاتک شدند ز بستند
همان‌ها که هستند
امان بستند!
کسانی که
در جمع ما بوده اند ...
ولیکن
ندانسته ایم کیستند...

شهادت دانشجوی مدافع حرم موسی جمشیدیان

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا
استان اصفهان

زکوهی خاستم این تبار
چنان جیب نظامم افروزم

شهدای مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی‌کردند، این
دشمن می‌آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می‌جنگیدیم ...



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

سازمان آموزش، ورزش و جوانان

کمیته اوقاف و امور خیریه

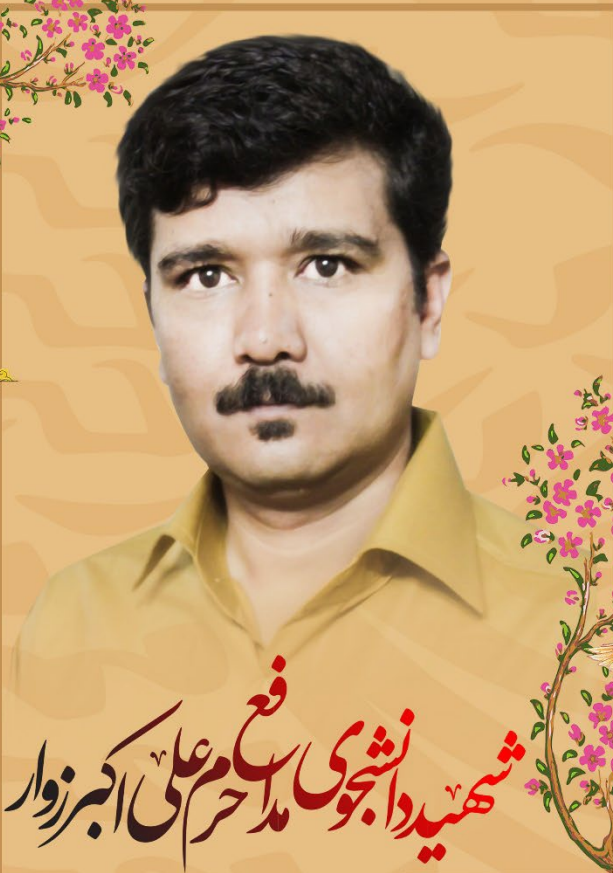
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



صدمتر از همه جلوتر می‌رفت صدش
 زدم و دعواش کردم چرا جلوتر از همه
 می‌ری؟
 خنده ای کرد گفت بزار اگه به کمین
 خوردیم منو اول بزنی، اکثر نیروها
 جوون هستن، من که کمین بخورم
 بقیه بتونن برگردن در ضمن من قبلا
 خواب دیدم از این ارتفاع بر نمی‌گردم و
 همین جاشهید می‌شم.
 و البته در همون ارتفاعات نزدیک
 تدمر هم به شهادت رسید.

گرچه از فاصله‌ی ۱۰۰ متری به من تیر می‌زدند
 ولی انگار همینجا و همین دور و بری
 ماه می‌تابد و انگار تویی می‌خندی
 باد می‌آید و انگار تویی می‌گذری

شعر تقدیمی همسر شهید به شهید



شهید دانشجوی مدافع حرم علی اکبر زوار

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر (سخت‌افزار)
 لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم
 چنان جیب نما سرفرازم

شهیدای مدافع حرم با
 دشمنی مبارزه کردند که اگر
 اینها مبارزه نمی‌کردند، این
 دشمن می‌آمد داخل کشور.
 اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما
 باید اینجا در کرمانشاه و
 همدان و بقیه استانها با اینها
 می‌جنگیدیم ...





غنچه‌ی خندان ما لب تشنه بر پر شد ولی
شدشکسوفابارها در نوبهار کربلا

نام او جاوید می ماند چو عاشورا بیان
نام او در عاشقان بی شمار کربلا

بود بر پیشانی اش نام حسین بن علی
شد به غربت پاکباز و پاسدار کربلا

تا غبار غم ز داید از ضریح زینب، او
شد ابوالفضلی دگر در کار زار کربلا

او علی اکبری دیگر شد و در ماه خون
کرد جان خویش را آسان، نثار کربلا

مرایت الاجمیلادر نگاهش جلوه کرد
مفتخر شد بر مـدال کربلا

شهید هادی جعفری با حمله مستقیم
هواییمهای بدون سرنشین آمریکایی، در
زمینی به شهادت رسید که ۱۴۰۰ سال
پیش قدمگاه امام حسین (ع) و اصحاب
عاشورایی اش بود. عاشورایی دیگر
برپاست و نبرد بین حق و باطل ادامه دارد.

مرگ بر آمریکا



شهید دانشجوی مداحم هادی جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و تحقیقات
استان مازندران

زکودکی خاتم این تب ختم
چنان جیب نماست مدافع حرم



شهادت مدافع حرم با
دشمنی مبارزه کردند که اگر
اینها مبارزه نمی کردند، این
دشمن می آمد داخل کشور.
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما
باید اینجا در کرمانشاه و
همدان و بقیه استانها با اینها
می جنگیدیم ...





“جمهوری اسلامی”

مرکز اسلام و تشییع است. امروز قرارگاه مسین بن علی (ع)، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی مرگ است و این مرگ اگر ماند، دیگر مرگ ها می مانند. اگر دشمن، این مرگ را از بین برد، مرگی باقی نمی ماند، نه مرگ ابراهیمی و نه مرگ مومّدی (ص)...

مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۴۴۰۸۴۶